

## شعرهای جمشید شیبانی

خبروئر باغدا یارا

اودونو باغدا یارا

مکتوبو سالدیم سویا

آپار سین باغدا یارا

ترجمه: به یار خبر دهید

که تنه درختان را در باغ خرد کند

نامه را نوشتیم و به آب انداختیم

تا آنرا در باغ به دست یار برساند

در این بایاتی نیز کلمه «یارا» به صورت جناس و به معنی «برای یار» و «به یار» و «خرد کردن تنه درخت» به کار رفته است.

توکولموسوز آراز

کیم لر گیریپ آراز

منیم یاریم اوتای دا

قور خوم بودور یار آزا

ترجمه: داخل آب آراز شده‌اید (آراز= آرس= رود مرزی ایران و آذربایجان)

نمی‌دانم چه کسی روابط شما را به هم ریخته است.

یار من در آن سوی رود (مرز) است

می‌ترسم راه را گم بکند

در این بایاتی نیز کلمه «آراز» به صورت جناس و به معنی «رود آرس» و «میان شما» و «گم شود» به کار رفته است.

اغلیان جوخ، گولن یوخ

گوز یاشلارین سیله ن یوخ

اتل گوجو، سنل گوجو دور

اتل قدرینی بیلن یوخ

ترجمه: چشمهای خندان کم و چشمهای گریان فراوان است

کسی نیست که اشکها را پاک کند

قدرت ایل، مانند قدرت و توانایی سیل است

افسوس کسی قدر آن را نمی‌داند

داغلار، داغلار، اداغلار

سینه ز گوروب جوخ داغلار

بوردا غزیر بیر دردلی

گاه سیز یلدار گاه آغلار

ترجمه: کوهها، کوهها، ای کوهها

که داغهای فراوانی در سینه دارید

در اینجا دردمندی، سرگردان است

که گاه ناله می‌کند و گاه می‌گرید

در این بایاتی نیز کلمه «داغلار» به صورت جناس و به معنی «کوهها» و «داغها» به کار رفته است.

کولک قویار بئل آغلار

عاشیق چالار تنل آغلار

«گرخه» قانا دوننده

«آراز» دوزمز، سنل آغلار

ترجمه: وقتی کولاک درمی‌گیرد و باد گریه می‌کند





وقتی «عاشیق» می‌نوازد و موها بر اندام می‌گیرند  
 «گرخه» وقتی به رنگ خون درمی‌آید  
 «ارس» آرام نمی‌گیرد و مانند سیل گریه می‌کند

توضیح اینکه این بایاتی به‌منظور احساس همدردی و وحدت قومیت‌های  
 ایرانی و احساس تعهد و مسئولیت نسبت به سرنوشت همدیگر سروده شده  
 است و نیز آب فراوان و عمیق و مواج رود ارس، «آراز» به «گریه سیل‌وار»  
 تشبیه شده است.

*بودونیا دا درد ده وار  
 درمان دا وار درد ده وار  
 نامردین سایبی چوخ دور  
 کاراگنن مرد ده وار*

ترجمه: در این جهان، درد فراوان است  
 درمان هم وجود دارد و درد هم  
 (اگرچه) تعداد نامرد بسیار است  
 اما مردان کارآمد هم وجود دارند  
*هرگوزه لین یاری وار  
 قیزیل گولون خاری وار  
 هر پته گه ال سوخما  
 بیل و راغان آری وار*

ترجمه: هر زیبارویی، یاری دارد  
 و گل سرخ هم خار دارد  
 انگشت بر هر کندویی فروتنکن  
 بدان که زنبورها گزنده دارد  
*دانش بولاخ آخیر گندیر  
 ایلدیریم نساخیر گندیر  
 یارین جیننده کوزه  
 قیقا جی باخیر گندیر*

ترجمه: آب «چشمه سنگی» می‌غلند و می‌رود  
 رعد و برق درمی‌گیرد و می‌گذرد  
 یار من، کوزه بر دوش  
 چپ‌چپ نگاهم میکند و می‌گذرد  
*ظولوم اولسا اتل دانشار  
 اویا دانشار اتل دانشار  
 داملا، داملا یاغیشدان  
 شاه لاریبخان سنل دانشار*

ترجمه: وقتی ظلم زیاد شود، صبر قبیله (مردم) سرریز می‌شوند  
 هم مردم و هم سرزمین به جوش می‌آیند  
 از قطره قطره‌های باران (نارضایتی مردم)  
 سیل‌هایی به‌وجود می‌آید که خانمان پادشاهان را فرو می‌ریزد  
*مرد ایگیده آد اولار  
 هیچ زادی، هرزاد اولار  
 اونون یاوان شوربایی  
 مزه اولار، داد اولار*  
 ترجمه: همیشه جوانمرد، صاحب نام است

«هیچ چیز» او، همه چیز است  
 شوربای خالی و بی‌توقع او  
 همه مزه‌ها و خوشمزگی‌ها را همراه دارد  
*یاریمی یئل ساندی گل  
 باغیمی سنل آدی گل  
 «ناصر» ده شهید اولدو  
 تره بین اتل چالندی گل*  
 ترجمه: محصولم را باد فروریخت، بیا  
 باغم، از سیل آفت دید، بیا  
 «ناصر» هم (فرزند شاعر) شهید شد  
 و مردم، حلوایش را پختند، بیا

